مهاجرت شعرا بهند در عصر صفویه

حمیدیان، سعید

1-سابقهء تاریخی

از پس چیرگی محمود غزنوی بر هندوستان.روابط سیاسی و اقتصادی‏ و ادبی بین ایران و هند پدید میآید و پی میگیرد.براستی سفرهای محمود به‏ هند این خطه را به ایرانیان شناسانده و نظرها را به این سرزمین طرفه گرایش‏ داده است.

از این پس هند همواره آسودنگاه و جان‏پناهی برای مهاجرین ایرانی‏ بشمار بوده است.ویژه که روائی زبان فارسی در آنجا امر مهاجری را آسانی‏ داده است.تسلط محمود بر گجرات و سواحل دریای عمان در هند و انتقال‏ پایتخت غزنویان به لاهور در عصر خسروشاه بن بهرامشاه غزنوی چنان کرده‏ که ایرانیان بخشی بزرگ از این بوم را چون میهن خویش انگارند و آزادانه‏ بدانجا آمد شد کنند.

بعصر سلاطین دهلی(687-602 هـ)هند در وحشی‏بار تاتار بر گروهی‏ از دانشمندان و شاعران ایرانی که از خراسان میگریختند سایبان گسترد. به نمونه عوفی را یاد آوریم که ناصر الدین قباجه از او در دربار شمس الدین‏ التتمش پناه گرفت،به روایت تاریخ فرشته دربار ناصر الدین محمود پسر التتمش‏ پناهگاه بیست و پنج شاهزاده عراقی و خراسانی و ماوراء النهری بوده است‏1 در عهد سلسله تغلقیه نیز که بسال 815 برچیده شد مهاجرین ایرانی در هند بسیار بوده‏اند و ویژه محمد بن تغلق ایشان را به آغوش باز پذیرا شده‏ است.

ابن بطوطه در سفرنامه خود که چند صفحه از آن را به ذکر جود و کرم شاهان‏ هند ویژه کرده نوشته است:همه مردم سخاوت پادشاه هند مخصوصا احترام‏ و بذل و بخششی را که او بخارجیان مقیم کشورش دارد میدانند و خبر دارند که‏ او اینگونه عده را بر مردم مملکت خود ترجیح داده است و چه مزایائی برای‏ آنان منظور داشته تا بجائی که آنان را بلقب عزیزان ملقب گردانیده و مقرر فرموده که اینگونه اشخاص را عزیز بنامند نه غریب زیرا شخص از شنیدن عنوان‏ غریب دلشکسته و آزرده خاطر میگردد2همین شاه است که ابن بطوطه از خونریزی و سنگدلی او بسیار نوشته و گفته است.وی از دهش این پادشاه به شاعران‏ نوشته است:

«فقیه شمس الدین اندکانی مردی حکیم و شاعر و خوش‏طبع بود او قصیده‏ای‏ فارسی در مدح شاه بساخت که بیست و هفت بیت داشت.سلطان در مقابل هر بیت‏ هزار دینار باو بخشید3بدرچاچی در پایان عمر به هند خرامید و مشمول فراوان‏ عنایت و رعایت محمد تعلق شاه گردید4ابن بطوطه گوید:همه خارجیان‏ را در هند خراسانی مینامند5ظهیر الدین بابر نیز در تزوک بابری نوشته‏ است:هندوستانی غیر هندوستان را خراسان میگوید چنانکه عرب غیر عرب‏ را عجم میگوید6این اطلاق خاص بر عام خود میرساند که در میان خارجیان‏ مقیم هند ایرانیان اکثریت داشته‏اند.

مهاجرین ایران از راه کابل و قندهار به هند میرفتند و سفر هند و نیز فرستادگی‏های ادبی توسط قوافلی که بعزم تجارت و سیاحت به هند روان بوده‏ انجام میگرفته چنانچه«قافله هند»را در اشعار دیده‏ایم:

(2)-سفرنامه ص 468

(3)-سفرنامه ص 473

(4)-مآثر الکرام سرو آزاد ص 16

(5)-سفرنامه ص 462

(6)-ص 81

جامی:

جامی اشعار دلاویز تو جنسی است لطیف‏ پودش از لفظ بود وز در معنی تارش‏ همره قافلهء هند روان کن که رسد شرف عز قبول از ملک التجارش

از متاخران طاهر مازندرانی:

زان تنگ شکر رونق بازار شماکاست‏ ای قافله هند بریزید شکرها

در بررسی وضع شعر و شاعری عهد صفویه مهاجرت بی‏گسست شعرا به هند مسأله‏ای چشمگیر است.تنها به عهد اکبرشاه گورکانی به شمارش شبلی در شعر العجم 51 تن شاعر ایرانی به هند شتافته‏اند.

بداونی در منتخب التواریخ 169 شاعر را معرفی کرده که بیشترشان ایرانی‏ یا ایرانی نژاد بوده‏اند7انگیزه‏ها و پس‏آیندهای این مهاجرت‏ها را کلاسه‏ و بررسی میکنیم:

2-عوامل و انگیزه‏های مهاجرت:

به نوشته تذکره‏ها گروهی از شعراء برای تجارت یا سیاحت به هند میرفتند از تاجران دسته‏ای بین ایران و هند تردد داشتند و عده دیگر در هند ساکن‏ شده ببازرگانی میپرداختند.

صائب:در عنفوان شباب برسم تجارت بهندوستان رفت‏8شاپور طهرانی‏ در هند تجارت میکرد باقر عزت داخل طبقه تجار گشته به هندوستان تردد میکرد9غنی ببک«بعنوان تجارت سفر اختیار کرده به هندوستان آمده است‏ 10عرفی بطریق سیاحت به هندوستان افتاد11(ناتمام)

(7)-رجوع شود به فهرست شعرا در خاتمه جلد سوم

(8)-شعر العجم ج 3-ص 160 در سفینهء خوشگو و نتایج الافکار و مرات‏ الخیال سبب سفر او سیر و سیاحت ذکر شده است.

(9)-سفینه خوشگو ص 383

(10)-ایضا ص 413

(11)-مرات الخیال ص 81 بعضی رفتن او را بهند بخاطر عشق او به حسن شاهزاده سلیم(جهانگیرشاه)میدانند شعر العجم ج 3 ص 177